**5شنبه اردیبهشت 1402-7ذیقعده 1445- 16مه 2024-درس 36 تفسیر ترتیبی مدیریتی قرآن کریم**

[سوره المائدة (5): آيات87 تا 88]

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تُحَرِّمُوا طَيِّباتِ ما أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (87) وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالاً طَيِّباً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (88)

اى مردم مؤمن، روزى‏هايى پاكيزه‏اى را كه خداوند بر شما حلال كرده، حرام نكنيد و تجاوز نكنيد كه خداوند متجاوزان را دوست ندارد\* و از روزيهاى حلال و پاكيزه خداوند بخوريد و از خداوندى كه به او ايمان داريد، بترسيد.

شأن نزول و داستان‏

مفسران گويند:

- روزى پيامبر خدا در باره مردم و وصف قيامت سخن گفت. مردم ناراحت شدند و گريستند. ده تن از اصحابه: على ع، ابو بكر، عبد اللَّه بن مسعود، ابو ذر غفارى، سالم، عبد اللَّه بن عمر، مقداد بن اسود كندى، سلمان فارسى، معقل بن مقرن و .. در خانه عثمان بن مظعون جمع شدند و تصميم گرفتند كه روزها روزه‏دار و شبها براى عبادت، بيدار بمانند. گوشت نخورند و با زنان نياميزند. از استعمال بوى خوش و پوشيدن لباس نرم و خفتن بر بستر، خوددارى كنند و در زمين به سياحت پردازند. برخى از آنها تصميم گرفتند كه خود را عقيم كنند. اين خبر به پيامبر رسيد و به خانه عثمان آمد. عثمان در خانه نبود. به همسرش ام حكيمه، دختر ابى اميه، فرمود:

- آيا آنچه در باره شوهرت مى‏گويند، راست است؟

ام حكيمه كه نميخواست به پيامبر دروغ گويد و در عين حال نمى‏خواست جانب شوهر را رعايت نكند، گفت:

- اگر عثمان به شما خبر داده، راست است.

پيامبر برگشت. هنگامى كه عثمان بخانه آمد، ام حكيمه، جريان را به اطلاع او رسانيد. او و همراهانش خدمت پيامبر رسيدند.

پيامبر فرمود:

- آيا شما را خبر دهم كه شما بر يك سلسله كارها تصميم گرفته‏ايد؟! گفتند:

- آرى، يا رسول اللَّه، ما نيت بدى نداريم!

پيامبر فرمود:

- من چنين دستورى نداده‏ام.

آن گاه فرمود:

- بدن شما را نيز بر شما حقى است. شما روزه بگيريد و افطار كنيد، عبادت كنيد و بخوابيد. من عبادت مى‏كنم و مى‏خوابم، روزه مى‏گيرم و افطار مى‏كنم. گوشت و چربى هم مى‏خورم و با زنان آميزش مى‏كنم. هر كس از روش من اعراض كند، از من نيست.

آن گاه مردم را جمع كرد و در ضمن يك سخنرانى، فرمود:

- چرا مردمى زنها و خوراكيها و بوى خوش و خواب و لذائذ دنيا را بر خود حرام مى‏كنند؟! من چنين دستورى نداده‏ام. من نميخواهم كه شما مثل راهبانى كه دنيا را ترك و در گوشه كليساها و صومعه‏ها وجود خود را عاطل و باطل مى‏كنند، باشيد. نخوردن گوشت و ترك همسر، جزء برنامه دين من نيست، دير نشينى از برنامه‏هاى اسلام خارج است. سياحت امت من روزه و رهبانيگرى ايشان جهاد است. خدا را پرستش كنيد و براى او شريك قرار ندهيد. حج و عمره كنيد. نماز بخوانيد. زكات بدهيد.

روزه ماه رمضان بگيريد. در راه خدا استقامت كنيد تا خداوند شما را براه راست آورد. پيشينيان از راه سختگيرى تباه شدند. آنها بر خود سخت گرفتند و خدا نيز بر آنها سخت گرفت. اكنون بقاياى مفلوك آنان در ديرها و صومعه‏ها و كليساها باقى هستند! اين آيه‏ها بمناسبت اين جريان نازل شد. از امام صادق (ع) روايت است كه:

- اين آيه، در باره على ع و بلال و عثمان بن مظعون نازل شد. على سوگند ياد كرده بود كه شبها نخوابد، مگر اينكه خدا بخواهد. بلال، سوگند ياد كرده كه روزها طعامى نخورد و عثمان بن مظعون سوگند ياد كرده بود كه با زنان نياميزد.

مقصود

در آيات پيش سخن از مسيحيان تارك دنيا بميان آمد. آنان، خود را ازخوشيهاى دنيا محروم كرده بودند. خداوند مؤمنان را از اينكار نهى كرده، فرمود:

- يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تُحَرِّمُوا طَيِّباتِ ما أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ‏: در اين باره چند وجه، محتمل است:

1- مقصود اين است كه مردم مؤمن نبايد معتقد بحرمت چيزهايى كه خدا حلال كرده، باشند 2- يعنى اظهار حرمت آنها نكنيد 3- يعنى چيزهايى كه خدا حلال كرده، بر مردم حرام نكنيد 4- يعنى از چيزهاى حلال، اجتناب نكنيد 5- منظور اين است كه چيزهايى حلال را بوسيله نذر يا قسم بر خود حرام نكنيد. بديهى است كه بايد آيه را بر معنايى حمل كرد كه همه اين معانى را شامل شود. منظور از «طيبات» چيزهاى لذيذى است كه انسان به آن تمايل دارد. گاهى به چيزهاى حلال «طيبات» گفته ميشود. اين معنى در اينجا منظور نيست.

وَ لا تَعْتَدُوا: از حدود و احكام خداوند، تجاوز نكنيد. ابن عباس و مجاهد و قتاده گويند: يعنى خودتان را عقيم نكنيد. بنا بر اين عقيم كردن را تجاوز و سركشى ناميده است. بديهى است كه معناى اول، پر فايده‏تر است.

وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّباً: منظور از امر، در اينجا اباحه است. يعنى از روزيهاى مباح و لذيذ خداوند، استفاده كنيد. ممكن است گفته شود:

«رزق، حلال است» بنا بر اين چرا گفته است: رزق حلال ...؟ پاسخ اين است كه: حلال را براى تاكيد آورده است. مثل‏ «وَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسى‏ تَكْلِيماً» (نساء 164:

خداوند با موسى تكلم كرد، تكلم كردنى) در جاى ديگر «روزى» را مقيد نكرده و منظور مدح است. مثل: «وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره 3: از آنچه آنها را روزى داده‏ايم، انفاق مى‏كنند) ابن عباس گويد منظور از: «طيبات رزق» گوشت و نعمتهاى ديگر است.

وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ‏: اين جمله با بهترين بيانى، مردم را دعوت به تقوى مى‏كند. يعنى: اى مردم مؤمن، بوسيله تقصير در تقوى، ايمانتان را ضايع نكنيد، كه دچار حسرت خواهيد شد. بهتر است كه از حرام كردن حلال خدا و همه‏ معصيتها خود دارى كنيد و خداى خود را فراموش نكنيد.

اين دو آيه، دلالت دارند بر ناپسند بودن انزوا و آنچه كه همه مردم دنيا به آن علاقه‏مند هستند. بنا بر اين دورى از زن و فرزند و آباد نكردن زمين، قبيح است.

در روايت است كه:

- پيامبر خدا گوشت مرغ و فالوده ميخورد و از حلوا و عسل لذت مى‏برد.

مى‏فرمود: مؤمن شيرين است و شيرينى را دوست دارد. و نيز فرمود: در دل مؤمن زاويه ايست كه تنها حلوا آن را پر ميكند. در روايت است كه امام حسن، مشغول خوردن فالوده بود كه «فرقد سنجى» بر او وارد شد. فرمود: درباره اين، چه مى‏گويى؟ پاسخ داد: نمى‏خورم و دوست نمى‏دارم. حضرت رو بجانب ديگران كرد و فرمود:

- آيا عسل و مغز گندم «پيه گاو» چيزى است كه مسلمان آن را نپسندد؟![[1]](#footnote-1)

تفسیر مدیریتی

مدیریت صحیح تغذیه

1. يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا- ایمان شرط لازم هدایت است نه شرط کافی باید غنی شود و در زندگی نمود کند وپرتو افکن باشد.
2. لا تُحَرِّمُوا طَيِّباتِ ما أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ – تحریم بی پایه امری حرام و منهی است آنهم تحریم طیبات که خداوند قانون گذار آن را حلال کرده است .جامعه ایمانی حق تحریم حلال را ندارد . قانون گذاری در مقابل قانونگذاری خدا بی معناست .
3. وَ لا تَعْتَدُوا- تعدی از حدود و حقوق الهی جایز نیست . باید در چهارچوب دین و احکام دینی و نظام دینی عمل کرد . بویژه در صنعت غذا که سوخت حرکت بشری است
4. إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (87) –خداوند متعدیان را دوست نمیدارد و دوست خود نمیداند لابد در مسیر بغض او هستند کسانیکه قانون ضد یا غیر الهی در غذا نینویسند و عمل میکنند چگونه دوست خدا هستند .
5. وَ كُلُوا- اکل به معنای مصرف است مصرف قانون دارد مجوز میخواهد مصرف دارای احکام خمسه تکلیفیه ناشی از احکام وضعیه است خدا ماکول خبیث ضد رشد را حرام و طیب را حلال میکند که رشد آفرین و ایجاد کننده حیات طیبه است طیبون برای طیبات هستند مثلا غذای طیب و اکل طیب برای حیات طیبه است حیات طیبه بدون غذای طیب امکان ندارد .
6. مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ –منشاء رزق و نعمت و ماکولات، خالق رازق است رزقی که در سماء است رزقی که سوخت حرکت و معراج انسانیت است را خداوند خود از آسمان نازل میکند یعنی قانون و احکام و اخلاق و معرفت آن باید آسمانی باشد نه زمینی و سلیقه ای . عقل و عقلا هم باید در چهار چهارچوب شرع حرکت کنند .
7. حَلالاً طَيِّباً - غیر ممکن است که رزق مصوب و منّزل ربانی وسماوی ، حلال نباشد طیب حالا است وحلال طیب است خبیث حرام است و حرام خبیث است .
8. وَ اتَّقُوا اللَّهَ- تقوای الهی که واجب و مامور به و مطلوب الهی است یعنی مراقبت از عمل یعنی عمل را مطابق احکام الهی و متوقف بر دستور الهی اقدام دادن. نه عمل مطابق احکام و مقررات در غیر چهار چوب دین .
9. الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (88) اگر به خدا ایمان داریم یعنی مدعی ایمان به او هستیم باید که قوانین مصوب او را هم مراعات کنیم و الا کشف از عدم ایمان واقعی میشود که اساس آن معرفت قلبی است .

جمع بندی

صنعت حلال که در حال رشد بین المللی است ناشی از متضرر شدن بشریت از صنعت حرام در تغذیه است . وقتی لقمه حرام شد منتهی به حرکات ضد تمدنی و ناقض حقوق بشری است . مدیریت تغذیه شامل نظریه حلال و نظام حلال در تغذیه است . که تغذیه را در ابعاد نظم ، رشد ، انگیزش و معنویت تنظیم میکند . تا به سمت حیات طیبه با اکل و مصرف طیبات و محللات تحقق یابد . وحشی شدن تمدن حاکم بر زمین جه بسا و حتما ناشی از عدم مدیریت تغذیه حلال است .(والله العالم)

1. طبرسى، فضل بن حسن، ترجمه تفسير مجمع البيان، 27جلد، فراهانى - ايران - تهران، چاپ: 1. [↑](#footnote-ref-1)